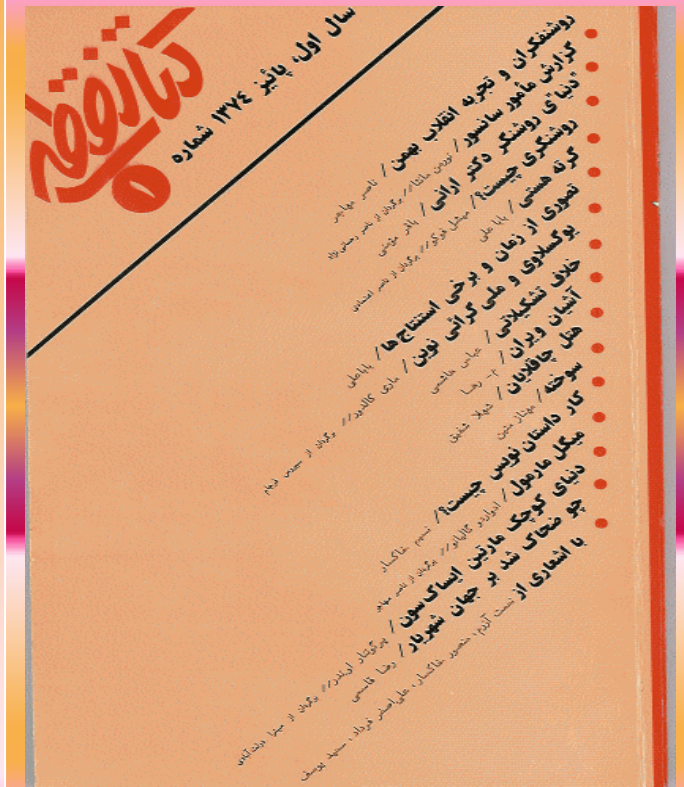


باقر مومنی : «دنيا»ی روشنگر دکترارانی



NOGHTEH
Review
Volume 1, Number 1, Autumn 1995

- *Intellectuals and the Revolution* / Nasser Mohajer
- *Dictators and the Clowns* / Norman Manea // Nasser Rahmaninejad
- *The Enlightening "Donya" of Dr. Arani* / Bagher Momeni
- *Enlightenment* / Michel Foucault // Nasser Etemadi
- *The Dust of Life* / Baba Ali
- *The Notion of Time and some Deductions* / Baba Ali
- *Yugoslavia and the New Nationalism* / Mary Kaldor // Cyrus Farjam
- *The Task of Novelist* / Nasim Khaksar
- *Organizational Violation* / Abbas Hashemi
- *The Ruined Nest* / M- Raha
- *Chaghlayan Hotel* / Chahla Chafiq
- *The Burned* / Mahnaz Matine
- *Miguel Marmol* / Eduardo Galiano // Nasser Mohajer
- *Marrine Esacson* / Pergonnar Ivander // Mitra Dowlatabadi
- *Alas* / Nemat Azarni
- *The Nights and the Dogs* / A. A. Fardad
- *Thirteen Years after your Execution* / Saeed Yussef
- *So Zahhak is the King of Universe!* / Reza Ghassemi

"دنیای روشنگر دکتر ارانی"

بمناسبت آغاز شصت و دومین سال انتشار مجله "دنیای"

و

پنجاه و ششمین سال مرگ ارانی

باقر مؤمنی

در بهمن‌ماه سال ۱۳۱۲ مجله‌ای با قطع خشتی در ۳۲ صفحه دو ستونی انتشار خود را در تهران با نام "دنیای" و "بمدیریت و رهبری" دکتر تقی ارانی آغاز کرد. در روی جلد مجله قید شده بود که فاصله انتشار آن «ماهی یکم‌تبه» با «قیمت اشتراک سالیانه ۶۰ ریال» و «قیمت تک‌شماره دو ریال» است.

اما علاوه بر این مشخصات چیزی که شاید تا اندازه‌ای جلب توجه و آنرا از مجلات دیگر متمایز میکرد تصویری از بمباران هسته اتم از طریق تابش اتم‌های پرشتاب بود که در روی جلد همین شماره چاپ و در زیر آن نوشته شده بود: «علم جزء لاینجزی را تجزیه نمیکند!» ولی جالب‌تر از این تصویر و جمله زیر آن جمله‌ای بود که بعنوان توضیح روش و محتوای مجله در سرلوحه همین صفحه آمده و کنجکاوای را بشدت برمیانگیخت: دنیا «در مسائل علمی، صنعتی، اجتماعی و هنری از نظر اصول مادی بحث میکند». فاصله انتشار مجله، برخلاف وعده‌ای که داده شده بود، حفظ نشد زیرا پس از انتشار منظم شش شماره، شماره ۷ آن با یک ماه تأخیر در شهریور ۱۳۱۳ و شماره ۸ آن با دو ماه تأخیر در آذرماه همین سال انتشار یافت و سرانجام آخرین شماره آن، که سه شماره ۱۰، ۱۱ و ۱۲ را یکجا در

بر میگرفت، در ۹۶ صفحه و پس از چهار ماه تأخیر در خرداد ۱۳۱۴ منتشر شد و از آن پس، علی‌رغم وعده‌هایی در مورد ایجاد بعضی تغییرات و یا نگارش برخی مقالات در شماره‌های بعد، که نشانه قصد ناشر به ادامه انتشار آنست، مجله برای همیشه تعطیل گردید. نوشته‌اند بی‌نظمی انتشار مجله ناشی از مشکلات مالی بوده و تعطیل آن بروایتی در نتیجه قانون ممنوعیت صاحبان مشاغل دولتی از انتشار مجله یا روزنامه و بروایتی دیگر بدلیل اشتغالات زیاد ایرانی صورت گرفته است. اما تا آنجا که اطلاع در درست است "مدیر و رهبر" مجله در تابستان ۱۳۱۳ برای مطالعات علمی به آلمان سفر کرده و عدم انتشار مجله در مردادماه این سال باحتمالی ناشی از این امر بوده، ولی بهرحال بی‌نظمی‌های بعدی دلیل دیگری جز مشکل مالی و یا احتمالاً اشتغالات فراوان مدیر مجله نمیتوانسته داشته باشد. اما در مورد تعطیل مجله، علاوه بر دلایلی که ذکر شده، بنظر میآید که حادثه تشکیل "فرقه کمونیست" بصورت مخفی و عضویت مدیر و نویسندگان و تهیه‌کنندگان اصلی آن در این فرقه نیز نقش مؤثری داشته و اینان احتمالاً انتشار مجله را، که یک فعالیت علنی چشمگیر بوده در تعارض با فعالیت مخفی "فرقه‌ای" و یا لاقبل زیان‌بخش برای آن دانسته و باعتباری آن یک را قربانی این یکی کرده‌اند.

در تهیه و انتشار مجله دنیا، بجز ایرانی، از همان آغاز ایرج اسکندری (با نام مستعار اجمشید) (۱) و بزرگ علوی (با نام مستعار فریدون ناخدا) شرکت فعال دارند بنحوی که علاوه بر تهیه مطالب اقتصادی-سیاسی و هنری. اجتماعی برای تأمین مخارج مجله نیز، که هر شماره ۴۰ تومان برآورد شده بود، اولی ۸ تومان و دومی ۵ تومان ماهانه پرداخت میکرده‌اند. علاوه بر این دو نفر شخص دیگری نیز که بطور نسبتاً منظم مطالبی برای ستون "صنعتی" تهیه میکرده ابوالقاسم اشتری است ولی گهگاه در میان نویسندگان و مترجمان نام‌های واقعی و یا مستعاری مانند

۱- احسان طبری در مقدمه‌ای بر چاپ دوم مجموعه مجله دنیا آگاهانه و بیاطل این امضای مستعار را به ایرانی نسبت داده است.

«دنیای روشنگر...»

حسین افشار (در ستون علمی)، د.رجیبی و نورالهدی بیهبانی (در ستون صنعتی)، عباس قزل‌اباخ، ایراندخت، انور، ان. و ابخ. نیز دیده میشود. (۲)

مجله علاوه بر عناوینی که در سرلوحه آمده در تمام شماره‌ها یک ستون نیز با عنوان «فلسفی و اجتماعی» دارد و در انتهای آن تحت عنوان «خاتمه» عناوین جداگانه «منظره دنیا»، «چند اطلاع مفید»، «که میدانند؟» من میدانم» و «مطبوعات جدید» ذکر شده است. «منظره دنیا» شامل اخبار و تفسیر حوادث و اوضاع سیاسی جهان است و بقول خود مجله «منظره عمومی روابط اقتصادی و سیاسی دنیا را نه فقط بشکل اخبار بلکه با تشریح و تفسیر علل بیان میکند». مطالب این ستون در شماره‌های ۱ تا ۵ بسیار مختصر است و حتی از یک ستون مجله هم کمتر جا میگیرد ولی در شماره‌های ۶ و ۷ بیش از یک ستون، در شماره ۸ بیش از یک صفحه، در شماره ۹ بیش از یک صفحه و نیم و در شماره آخر ۵/۵ صفحه مجله را اشغال میکند. ستون «چند اطلاع مفید» بیشتر شامل اخبار و اطلاعاتی درباره آخرین دست‌آوردهای علمی و فنی و صنعتی جهان است و ستون «که میدانند؟» من میدانم» حاوی سؤالاتی از خوانندگان و پاسخ‌هایی است که از آنان میرسد. بالاخره در ستون «مطبوعات جدید»، که غالباً بسیار مختصر است و از چند سطر تجاوز نمیکند، از کتاب‌های فارسی، آلمانی، انگلیسی و فرانسه که بتازگی انتشار یافته‌اند نام برده شده است.

برای درک بهتر روش، هدف و محتویات مجله، علاوه بر مطالب فوق بنظر میرسد بهتر است مطلبی که در صفحه آخر شماره‌های ۲ تا ۵ بتکرار چاپ شده عیناً در اینجا آورده شود: «مجله دنیا خواننده خود را با دنیای متمدن امروز کاملاً آشنا میکند. هر کس میخواهد در دنیای پرهیجان امروزه محدود نمانده با علوم، صنایع، اجتماعات و هنرهای (صنایع ظریفه) بشر قرن بیستم و تکامل تمدن وی آشنا گردد لازم است مجله دنیا را مرتب بخواند. مجله دنیا دارای مقالات مهم از قبیل مقالات ذیل

۲. برای اطلاع بیشتر در مورد نویسندگان مجله رجوع شود به صفحه ۲۵ کتاب پنجاه نفر و سه نفر نوشته انور خامه‌ای.

است: قسمت علمی: اتم و بعد چهارم، تکامل و ارث، پسیکولوژی خواب، امتحان هوش و حافظه، فضای چند بعدی و فرضیه نسبی، مکانیک آسمان‌ها، اسرار سلول و اعصاب؛ قسمت صنعتی: صنایع عظیم دنیا، انتقال سینما و عکس با بی‌سیم، رادیو، هواپیما و آسمان‌نوردی، فیلم ولی ناطق؛ فلسفی و اجتماعی: عرفان و اصول مادی، جبر یا اختیار، علت یا غایت، ماتریالیسم و ایده‌آلیسم، دیالکتیک منطق، ماشینیسم، ارزش و کار، اجتماع و طبیعت، اجتماع و اقتصاد، زن و ماتریالیسم، نفع، پول و بانک، تشکیل و گردش سرمایه، مسائل حقوقی؛ قسمت هنری: هنر و ماتریالیسم، موسیقی، تأثر، فیلم از نظر صنایع ظریف، ارزش ادبی رمان، ترجمه شاهکارهای متفکرین بزرگ و غیره...» و بالاخره مجله دنیا «جدیدیت خواهد کرد فکر خواننده خود را با درجه تمدن امروزی بشر آشنا کرده بدو مرتباً جریان و تکامل این تمدن را نشان دهد».

مجله، که فلسفه مادی دیالکتیک را بعنوان راهنمای خود برگزیده در کلیه مباحث از علمی و فنی گرفته تا فلسفی و اجتماعی و هنری و سیاسی موضعی شدیداً انتقادی و آشتی‌ناپذیر دارد و در عین حال در هدف‌گیری‌های خود راهی میان کهنه‌پرستی و تجددمآبی اختیار کرده است. در شیوه بحث بارها و به زبان‌های گوناگون مطالبی از این قبیل آمده است:

«بشر در سیر تکامل تمدن به مرحله‌ای رسیده است که میخواهد جامعه خود را از روی اصول مادی و منطقی اداره کند.» «تنها نظریه کلی که میتواند مابین علم، صنعت و اجتماع بشر امروز هارمونی و هماهنگی تولید کند اصول عقاید مادی است.» «فکر مجله دنیا تفسیر و شرح مطالب علمی، صنعتی، فلسفی، اجتماعی و هنری از روی اصول مادی است.» گذشته از همه اینها «مجله دنیا مظهر نفوذ قطعی و ضروری این فکر به محیط فارسی‌زبانان است» و این اصل رول تاریخی آنرا واضح میکند».

در سرمقاله نخستین شماره، که هدف، روش و محتویات مجله در آن توضیح داده شده آمده است که «دنیا، و ایران نیز که جزئی از آنست،

دائماً در تغییر و از حیث تمدن رو به تکامل میباشد» اما از یک طرف «یک مشت آفیونی یا کهنه‌پرست و مرده‌پرست» با طرفداری از «سیر قهقرائی» میخوانند جامعه را به عصر «گلستان سعدی، خط نستعلیق، شفای بوعلی‌سینا و مسافرت با کاروان و غیره و غیره» بازگردانند و در برابر اینان دسته‌ای دیگر برای رسیدن به کاروان تمدن اظهار عقیده میکنند که «ایرانی بایستی از اروپائی تقلید کند» و منظورشان نیز تقلید در بست و کورکورانه از اروپائیان است در حالی که همه میدانند که «تمدن اروپائی خود دچار بحران و تضادهاست» و بهیچوجه قابل چنین تقلیدی نیست. و در این معرکه «جوانان ما که نه با بیانات قدما و نه با یاوه‌گوشی‌های یکدسته متحدند ما میتوانیم عطش و کنجکاوی خود را تسکین دهند حیران و سرگردان» مانده‌اند. بهمین دلیل است که مجله دنیا، که «رول تاریخیس راهنمائی این جوانان» است وظیفه خود میدانند که «آتش بحران فکری آنها را خاموش کند» و آنها را به «راه حقیقی تکامل» رهنمون شود و تنها وسیله‌ای که برای این کار وجود دارد همان «اصول مادی دیالکتیک» است که میتواند «به علوم و صنایع و اجتماعات و هنرها یک هماهنگی بدهد» و به «بحران‌ها و تضادهای اروپای متمدن پایان بخشد».

بدینسان در این مجله برای مظاهر پوسیده فرهنگ شرق و نظرات تودم‌آبانه و بحران‌زای غرب از قبیل «مقالات طویل و عریض راجع به فتح جوشقان، معاشقه یوسف و زلیخا، تحقیقات تازه در اطراف خانه ابوالمظفر عبدالجبار» یا مطالبی مانند «ناله‌های لامارتین، ترهات گوستاو لوبون و گدا بازی‌های بی‌ذوق و متملق» جایی وجود نخواهد داشت.

مجله حتی در مورد زبان مورد استفاده خود نیز قول میداد که در عین کاربرد بموقع لغات فرنگی و عربی، «از اصول فرنگی مآبی و عربی مآبی» بهره‌برد و «حتی الامکان طریقه ساده و عادی را در نوشتن رعایت» کند بنحوی «که حتی المقدور توده وسیعتری بتوانند از آن استفاده کنند». اما چنانکه معلوم است یک مجله علمی و فلسفی مانند دنیا مطلقاً نمیتوانست دارای آنچنان زبان «ساده و عادی» باشد که «توده وسیعی» بتواند از آن بهره

ببرد، و مدیر مجله در عین حال که در آخرین شماره آن قول میداد که «سال جدید مجله دنیا با بیان ساده‌تری منتشر خواهد شد» ناگزیر اعتراف میکرد که «مقالات علمی این مجله باختصاص مشکل است. بنابراین فقط برای خوانندگانی مفید خواهد بود که در قسمت‌های مربوطه تا حدودی سابقه داشته باشند، و خواندن آنها به عموم توصیه نمیشود».

بعلاوه مسئله دیگری نیز وجود داشت که کار نویسندگان مجله را، حتی در بیان مطالب فلسفی و اجتماعی و هنری هم مشکل‌تر از معمول میکرد و آن مسئله سانسور بود. ارانی در بازجویی‌های خود مینویسد: «مجله دنیا در پلیس هم سانسور میشد.» و بهمین دلیل نه تنها از بحث مفصل و روشن درباره مسائل جاری سیاسی و اجتماعی در آن تا حدود زیادی خودداری میشد بلکه اصول افکار فلسفی نیز بزبانی بیان میشد که بقول او «نه خوانندگان و نه پلیس متوجه این افکار بودند و فقط اشخاص تحصیلکرده خارج، بعضی، متوجه میشدند».

با اینهمه باید دانست عطش و حساسیت جامعه درس‌خوانده و جوانان نسبت به نوشته‌های دنیا آنچنان بود که این مجله با همه اشکال زبانی و سنگینی مطالب از همان شماره اول، بنا بادعای خود آن، «انعکاس غریبی در جامعه متورالفکر و توده کم‌سواد نمود» و «موافق و مخالف را به هیجان در آورد». «از یک طرف تیریک و اظهار خوشوقتی و از طرف دیگر حمله و فحاشی، حتی تهمت زیاد شنیده شد». «توده کم‌سواد خالی‌الذهن و متورالفکر ترقیخواه آنها با آغوش باز پذیرفت، و دسته دیگر از متورالفکرها (صوفی‌مآبها) و همچنین تمام دستجات کمپنپرست، چون مجله دنیا را مخالف منافع مادی خود میدیدند بر آن لعنت کردند». مجله بعدها در شماره ۶ خود به نمونه‌هایی از این خوشامدها و دشمنی‌ها اشاره میکند اما پیش از آنکه به این اشاره‌ها برسد برای نشان دادن هویت و ماهیت مخالفان و موافقان خود به یک تحلیل جامعه‌شناسانه مادی- دیالکتیکی از جامعه آنروز ایران، یا بقول خودش به دقت در «طرز تولید» در محیطی که دنیا در آن منتشر میشود، دست میزند و تصویری از صغبنبدی جمعیتی کشور در

«دنیای روشنگر...»

سال ۱۳۱۲ بدست می‌دهد که خواندنی است، باین ترتیب که از جمعیت ۱۰ میلیونی کشور ۶ میلیون دهقان و ایلاتی «فقیر و بیسواد و در قید اسارت تعصبات و خرافات میباشند» که «با وسایل خیلی ساده زراعت» و زمین و محصولات آن سروکار دارند و تحت تأثیر «فلاکت‌های طبیعی و اجتماعی...» عموماً ترسو، مطیع، متعصب، مکار و محروم از مزایای تمدن بشری امروزند» و ۴ میلیون شهری هستند که خود به ۲ میلیون شهرنشین متوسط، یک میلیون متمول و یک میلیون «عمله شهری و کارخانه» تقسیم شده‌اند و از مجموع اینها تنها یک میلیون متمولین و یک میلیون از افراد طبقه متوسط سواد دارند. از این باسوادان عده‌ای بنا به بعلم مادی، یعنی موقعیت اجتماعی و طبقاتیشان، متعصب و کهنه‌پرست و عده‌ای دیگر دارای اندیشه‌های «تنورفی» و انساندوستانه ایدئالستی هستند. اما بجز اینها «بقیه» باسوادهای شهری منورالفکرها میباشند» که اکثریتی از آنان، علی‌رغم «میدان رویت وسیع» خود «تحت تأثیر منافع طبقاتی و اجتماعی» «منورالفکر فاسد» و «عاری از هر نوع قدرت اخلاقی و اجتماعی» هستند و عدم استقلال فکری و فقدان عزت‌نفس از خصوصیات روحی آنهاست و هدفی جز «نفس و پول‌پرستی» ندارند. تمام کارهایشان خودنمایی است و اگر بخیال خود دست به اصلاحی بزنند «بی‌ریشه و اساس و عاری از علاقه و فداکاری و بنابراین محکوم به اضمحلال است».

اما از منورالفکران شهری هستند کسانی که «هنوز فاسد نشده‌اند و برحسب موقعیت اجتماعی خود دارای علائق پیشرفت و نزاع میباشند». سرمقاله مجله این گروه را «منورالفکر رهبر» مینامد و مینویسد در حقیقت همین‌ها هستند که مخاطب مجله‌اند و «مجله دنیا با این طبقه و این طبقه با مجله دنیا زیاد کار دارند». بنا بآدعای سرمقاله «تأثیر مجله دنیا در این دسته خیلی قوی بوده. این طبقه انتشار دنیا را یکی از عوامل پیشرفت فکر خود تلقی و آنرا با نهایت هیجان استقبال کردند». برای نمونه یکی از هم‌اینان بود که نوشت: «انتشار دنیا مثل آتست که در میان هوای محبوس شب مانده و بوگرفته یک نسیم آزاد و خنک و مہیج وزیدن

گرفته گلوی خشک انسان را تازه کند.» علاوه بر اینان «زن‌های جوان باسواد نیز»، که مجله آنها را «جزء منورالفکر صالح» می‌شمارد، «به مجله دنیا اظهار علاقه» کردند. باید دانست که مجله نه تنها در زمان انتشار در ذهن جوانان و منورالفکران اثر گذاشت بلکه حتی پس از تعطیلی نیز شماره‌های آن همچنان دست بدست می‌گشت و خوانندگان خود را تحت تأثیر قرار میداد. برای نمونه احسان طبری مینویسد که خود او بعدها، یعنی «در سال ۱۳۱۴... برای نخستین بار مجموعه کاملی از ۱۲ شماره مجله دنیا بدستم رسید» و هم او خود به همین دلیل و بجرم مطالعه دنیا و آشنائی با یکی دوتا از شاگردان ارانی است که در اردیبهشت ۱۳۱۶ در ردیف اعضای پنجاه و سه نفر دستگیر و زندانی میشود.

اما غیر از «منورالفکران رهبر» که از مجله استقبال کردند «منورالفکران فاسد» و همچنین عناصر کهنه‌پرست و پوسیده اجتماعی نیز آرام ننشستند و طبق معمول خویش با ناسزاگویی به مجله و نویسندگانش پرداختند. مثلاً یکی با اشاره به نام مجله به حدیث «الدنيا جيفة وطالبوها...»^(۳) متوسل شد که یعنی «دنیا مردار است و طالبانش...»^(۴)، و یکی دیگر به اسم یکی از نویسندگان مجله به نام ابوالقاسم اشتری اشاره کرد و با استفاده از بازی با کلمات نوشت «وقتی که من اسم نویسنده فلان مقاله را خواندم متوجه شدم اگر از آن حرفی حذف شود مبدل به اسم حیوانی می‌گردد»، که منظور حذف حرف الف از اسم «اشتری» بود. و بدتر از این هرزه‌گوئی‌ها بعضی نیز به قول مجله به «زور و چماق» متوسل شدند و کوشیدند تا «وسائل مادی حیات مجله را قطع کنند». ولی مجله در برابر این تشبثات و حملات با یقین و ایمانی قاطع نوشت: «هیچ‌یک از این وسائل مانع پیشرفت اجتماع بشر و نفوذ افکار مادی نخواهد شد» و «مجله دنیا با کمال متانت، بدون اینکه به اشخاص توجه کند فکر اساسی خود را تعقیب مینماید. طرفداران اصول مادی میدانند که بر

۳- سه نقطه در اینجا بجای کلمه «کلاب» آمده.

۴- سه نقطه در اینجا بجای کلمه «سگ‌ها» آمده.

خلاف جریان شنا میکنند ولی چون به بازوان قوی این اصول اطمینان دارند آنقدر خط سیر مخالف خود را ادامه خواهند داد تا جریان را موافق خود کنند، و این غرض اصلی آنهاست».

اما آنچه نظرها را از موافق و مخالف بسوی مجله دنیا جلب میکرد اتخاذ فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک^۵ بعنوان جهان‌بینی مجله و تفسیر و تحلیل پدیده‌ها و واقعیات موجود و پذیرفته شده جامعه آئروز ایران بر اساس این فلسفه بود که در عین تازگی همه آنها را زیر سؤال و ضربه میبرد و باین ترتیب کهنه‌پرستان و نوجویان، هر دو، را به یک ترتیب تکان میداد.

شک نیست که در گذشته مارکسیست‌های ایرانی در مطبوعات فارسی گهگاه به نوشتن و انتشار مقالاتی مستقل در زمینه اقتصاد مارکسیستی و یا فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی و همچنین تحلیل بعضی پدیده‌های سیاسی و اجتماعی ایران بر اساس این فلسفه دست زده‌اند، اما تا آنجا که اطلاع در دست است بنظر میرسد که تاریخ مطبوعات ایران تا آئزمان هرگز نشریه‌ای سراغ نداشته که اینچنین منظم و پیگیر به این کار پرداخته باشد (۵)، و این البته غیر از طرح مسائل علمی و فنی و صنعتی خالص است که آنهم بنوبه خود در مجله جای برجسته‌ای داشت. در این مورد کافی است به مقالات یا سلسله مقالاتی مانند ماشینیسم، ارزش-قیمت-کار، هنر و ماتریالیسم، تاریخ‌سازی در هنر، تکامل-تبعیت به محیط و ارث، تکامل موجودات زنده، خوابیدن و خواب دیدن، حقوق و اصول مادی، زن و ماتریالیسم، ماتریالیسم دیالکتیک، زندگی و روح هم مادی است، بشر از نظر مادی، جبر و اختیار، عرفان و اصول مادی، پول از نظر اقتصادی و اهمیت آن در اجتماع فعلی و مانند اینها اشاره شود تا خواننده خود دریابد که مجله، علاوه بر طرح کلیات فلسفه مادی دیالکتیکی تقریباً به انتشار مطالبی در تمامی زمینه‌های اصلی زندگی مادی و روحی از جمله مسائل و مباحث انسانی-زیستی، فکری، جامعه‌شناسی، اقتصادی و مانند اینها نیز با

۵- مجله فرهنگ چاپ رشت در سالهای میان ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵ بیشتر جنبه فرهنگی و ادبی داشت.

همین بینش فلسفی دست زده است. و این امر البته مطلقاً تصادفی نیست زیرا از نظر دنیا تمام رشته‌های علوم از قبیل علوم طبیعی، علوم دقیقه و علوم انسانی و همچنین فلسفه با یکدیگر در ارتباطی تنگاتنگ و دیالکتیکی قرار دارند و این مطلب بارها باین ترتیب گفته میشد که «تمام مندرجات مجله یک دستگاه معلومات مربوط و منظم و کلی را تشکیل میدهد». برای درک این ارتباط و تناسب میان فلسفه و علوم انسانی و علوم دقیقه و اینکه چگونه مجموعه اینها یک دستگاه کلی مربوط و منضبط را تشکیل میدهند بهتر است به عناوین و محتویات خود مجله بازگردیم.

ستون‌های "علمی" و "صنعتی"

محتویات مجله با مطالبی تحت عنوان "علمی" آغاز میشود و پس از آن عنوان مطالب "صنعتی" می‌آید. در ستون "علمی" مقالاتی از قبیل "اتم و بعد چهارم"، "ماکسیمم و می‌نیمم انتگرال‌ها"، "خوابیدن و خواب دیدن"، "تکامل- تبعیت به محیط و ارث"، "زندگی و روح هم مادی است"، "مشتري"، "فرضیه نسبی"، "اجسام رادیو اکتیو مصنوعی"، "تاریخ علوم" و در ستون "صنعتی" نیز مطالبی با عناوین "صنایع عظیم دنیای امروز"، "بی‌سیم"، "هواپیمائی"، "تله‌ویزیون"، "کارخانه تولید برق"، "برج ایفل" و "اتوموبیل" چاپ شده است.

نخستین نکته‌ای که در این مقالات جلب توجه میکند اینست که مجله گاه درباره آخرین کشفیات و اختراعات علمی و صنعتی، که هنوز جنبه آزمایشگاهی دارد و برخی از آنها سی‌چهل سال بعد در دسترس عامه قرار می‌گیرد، توضیحاتی دارد. اما نکته مهمتر که در این مقالات بچشم می‌خورد ارتباط دادن مسائل و پدیده‌های علمی و صنعتی با مسائل و پدیده‌های اجتماعی بر اساس جهان‌بینی دیالکتیکی است. حتی در مقالاتی هم که نویسندگان و مترجمان آن صرفاً به جنبه‌های فنی پدیده‌های علمی و صنعتی پرداخته‌اند گهگاه مدیر مجله فرصتی یافته و به یادآوری نکته‌هایی در این زمینه‌ها دست زده است. برای مثال در سرلوحه مقاله "ماکسیمم و می‌نیمم

"دنیا"ی روشنگر...

انتگرال‌ها"، که مقاله‌ای صرفاً علمی و از مقولات ریاضی عالی است مجله با حروف درشت به ذکر این نکته میپردازد که «تمام شعب تمدن متوازی با یکدیگر کامل میشوند. علم و عقاید کلی، صنعت، اجتماع و هنر یک قوم با هم متناسب میباشند. ملتی که با وسایل محاسباتی کامل کوچکترین حرکات ماشین‌های ظریف را حساب میکند عقاید کلی و فلسفی آن نیز دقیق‌تر از قومی است که گاواهن ساده و کاسه گلی مهمترین محصولات صنعتی آن میباشند. طبیعی است که تجسمی که بشر قرن بیستم راجع به زمان-مکان- ماده دارد با تجسم ساده زمان اقلیدس در قرون قدیمه، بوعلی سینا در قرون وسطی، کانت یا هگل در قرون جدیده خیلی فرق دارد.»

نمونه دیگر تذکر مجله است در آغاز مقاله‌ای با عنوان «ماشینی که نوشته را میخواند» با این جملات که «ما بایستی... جدیت کنیم در جوانان قوه استدلال و تحقیق علت و معلول و خلاصه کار کردن از روی متد و اسلوب منطقی استظور دیالکتیکی است! را نمو دهیم... تحقیقات و پیشرفت های علمی امروز حالت منظمی به خود گرفته است. مسائل علمی و فنی یک یک او در ارتباط و پیوند با یکدیگر طرح و حل میشوند. برای شرکت در این پیشرفت بایستی وسیله داشت و گرنه بدون کتابخانه، لابراتوار و پول ادعای کشف و اختراع باطل و بیهوده است.

و یا مقاله "برج ایفل"، که ترجمه از کتابی در مورد ساختمان این برج است، با این جملات آغاز میشود: «صنعت هر اجتماع متناسب با وضعیت اقتصادی و مادی آنست و بهمین دلیل نمیتوان تصور نمود در جامعه‌ای که بحالت شبانی زیست نموده و یا تنها وسیله تولید ثروت برای او استفاده بسیار ساده و مستقیم از طبیعت است یکمرتبه مصنوعی شبیه برج ایفل پیدا شود زیرا برج ایفل زاده وضعیت اقتصادی قرن نوزدهم و در اثر انقلابات صنعتی آن قرن تولید شده... و نمونه‌ای از صنعت دوره سرمایه‌داری است.»

اما مقالات علمی و صنعتی که ارانی خود نوشته و یا ترجمه کرده سراسر انباشته است از اشاراتی در مورد ارتباط دیالکتیکی پدیده‌های

گوناگون، و او خود ضمن تشریح مطالب علمی و صنعتی به بهانه‌های گوناگون به اصول فلسفی‌مادی دیالکتیک و اندیشه‌های اجتماعی، و گاه هم سیاسی، گریز میزند. برای مثال در اواسط مقاله "اتم و بعد چهارم" پس از توضیحاتی دربارهٔ ساختمان اتم و چگونگی و نتایج انفجار هستهٔ آن خواننده ناگهان با جملهٔ زیر روبرو میشود: «حال با اسلحهٔ دیالکتیک وارد فضای اتم شده تأثیر بعد چهارم، یعنی زمان را در اتم مورد توجه قرار میدهیم.» مقاله سپس با اشاره به نقض دانش بشری در مورد «قوانین تأثیر هسته در مدار حرکت و نظم و ترتیب الکترون‌ها» و تلاش "تنوری کوانتا" برای رفع این نقیصه مینویسد «البته علم جدیدی» در تحقیق این قوانین «اصول دیالکتیک را بکار برده تأثیر این تغییرات را در نتایج علمی خود پیدا خواهد کرد» و با قاطعیت میافزاید که بدون هیچ تردیدی «اسلحهٔ دیالکتیک به ما آن قدرت را میدهد که در خواص فیزیکی و شیمیائی اجسام نکات دقیق‌تری را که منطبق معمولی عاجز از درک آنست مشاهده کنیم.» و بالاخره پس از اشاره به "تقریبی" بودن اطلاعات و نتایجی که علم تا کنون دربارهٔ اتم بدست آورده مقاله با این جمله خاتمه می‌یابد: «بایستی منتظر بود که اسلوب دیالکتیک یک انقلاب شدید به علوم بشر امروزه منظرهٔ جدیدی دهد».

یک نمونهٔ دیگر مقالهٔ "صنایع عظیم دنیای مادی امروز" است که در ستون "صنعتی" چاپ شده و مبحثی است دربارهٔ انرژی، نفت، زغال‌سنگ، آهن و ماشین‌آلات و وسائل نقلیه‌ای مانند کشتی، آئروپلان، اتوموبیل و لکوموتیو. نویسنده در پایان مقاله به این تز عمدهٔ مجله، که از شمارهٔ ۲ بی‌بعد بعنوان شعار ستون "علمی" اختیار شده، باز می‌گردد که «تمام شعب تمدن متوازی با یکدیگر کامل میشوند. علم و عقاید کلی، صنعت، اجتماع و هنر یک قوم با هم متناسب میباشند»، و بجهت اثبات این نکته که «ترقی تمام این صنایع با ترقیات اجتماعی متوازی بوده است» تحت عنوان "نتایج ترقی صنعت" اظهار عقیده میکند که «بجهت اینکه صنایع باین عظمت تشکیل شود لازم بود مقدار زیادی سرمایه یکجا تمرکز پیدا کند!